



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - بررسی حجیت اجماع منقول - ۱. نقل اجماع به صور

سه گانه بنابر اجماع دخولی و تشریفی - ۲. نقل اجماع بنابر سایر مبانی - صورت اول: نقل سبب

جلسه: ۱۰۵

سال پانزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

ما عرض کردیم برای بررسی حجیت اجماع منقول به خبر واحد ابتدا باید سه مطلب را به عنوان مقدمه ذکر کنیم. این سه مقدمه این بود:

۱. دلالت سیره عقلا بر حجیت خبری که اخبار عن حس باشد و نیز مخبر به یک امر متعارف باشد.
۲. ناقل اجماع گاهی نظر معصوم را عن حس بیان می کند و گاهی عن حدس، به تعبیر دیگر اجماعات بر دو پایه استوار هستند، مبانی کشف رأی معصوم در اجماع برخی بر پایه حدس است و برخی بر پایه حس.
۳. نقل اجماع گاهی به صورت نقل سبب است و گاهی به صورت نقل مسبب و گاهی نیز به صورت نقل سبب و مسبب هر دو.

#### ۱. نقل اجماع به صور سه گانه بنابر اجماع دخولی و تشریفی

اگر نقل اجماع به صورت نقل سبب باشد. یعنی مثلاً می گوید اجمعت العلماء یا اجمعت الاصحاب، دارد آن اتفاق را نقل می کند، زیرا این اتفاق سبب کشف رأی معصوم است. اگر نقل اجماع به گونه اول باشد، اینجا باید ببینیم کسی که اجماع را نقل می کند چه مبنایی دارد و کسی که اجماع برای او نقل می شود چه مبنایی دارد.

فرض کنید ناقل اجماع کسی است که قائل به اجماع دخولی است یعنی حجیت اجماع را از باب دخول امام در ضمن مجمعیین حجت می داند و کسی که اجماع برای او نقل شده نیز همین مبنا را دارد. هر دو اجماع دخولی را حجت می دانند، قهراً در این صورت ناقل اجماع که اتفاق علماء را نقل می کند، این را عن حس به دست آورده است. بعد رأی معصوم را نیز عن حس کشف کرده است زیرا امام در ضمن مجمعیین بوده، کسی که هم اجماع برای او نقل شده است حجیت اجماع دخولی را قبول دارد. قهراً این اجماع برای این شخص معتبر است، زیرا ادله حجیت خبر واحد شامل این فرض می شود؛ چون ادله حجیت خبر واحد خبری را حجت کرده اند که عن حس باشد و از یک امر متعارف باشد، لذا باید ببینیم آیا ادله حجیت خبر واحد شامل این مورد می شود یعنی کسی که اتفاق علماء را نقل می کند و اخبار عن حس یک امر متعارف دارد دلالت دارد یا نه؟

در اینکه ناقل اجماع اتفاق علماء را عن حس نقل می کند بحثی نیست. رأی معصوم هم که برای او کشف شده است، آن هم عن حس برایش کشف شده است، پس او دارد عن حس از اتفاق علماء نقل می کند که در ضمن آن از رأی معصوم نیز حکایت می کند.

پس عن حس هم از اتفاق خبر می دهد و این متضمن اخبار از رأی معصوم نیز هست، زیرا در ضمن آن است. پس ادله خبر واحد شامل این می شود.

حال باید ببینیم این یک امر متعارف محسوب می شود یا خیر؟ اینکه امام در ضمن مجمعی باشد به صورت ناشناس، مشکل است. چون این در زمان حضور امام معصوم ممکن است پیش بیاید اما در زمان غیبت، آن هم با این روایاتی که هر نوع دیداری ولو به صورت اجمالی را گفته اند تکذیب کنید، نمی توانیم حضور امام در ضمن مجمعی را یک امر متعارف بدانیم.

البته کسی که مبنای خودش این باشد محذوری ندارد ولی ما به این مبنا اشکال داریم کسی که خودش به این مبنا معتقد است قهرا این اخبار عن حس است، مخبر به نیز یک امر متعارف نزد اوست چون او این مبنا را قبول دارد. پس ادله حجیت خبر واحد شامل این مورد می شود. حال این به صورت نقل سبب باشد یا به صورت نقل مسبب باشد که تحقق این البته کمتر است که کسی بیاید قول معصوم را مستقیماً نقل کند.

اگر هم به صورت نقل سبب و مسبب هر دو باشد، مثلاً بگوید اجمعت العلماء یا امامیه من المعصوم و غیره علی کذا با توجه به اینکه در اجماع دخولی اخبار عن حس است، چنانچه این را یک امر غیر متعارف ندانیم ادله حجیت خبر شاملش می شود.

پس طبق مبنای اجماع دخولی مشکلی در شمول ادله حجیت خبر واحد نسبت به ما نحن فیه وجود ندارد.

بر طبق مبنای تشریفی هم همینطور است زیرا از حیث حسی بودن اخبار فرقی بین اجماع دخولی و اجماع تشریفی نیست. آن هم که تشریف به محضر ولی عصر پیدا می کند و حکم شرعی را بیان می کند، دارد خبر عن حس می دهد. حال این را به صورت نقل سبب می گوید، نمی خواهد بگوید من مشرف شدم به صورت نقل سبب می گوید و می گوید اجمعت العلماء یا به صورت نقل سبب و مسبب می گوید یا حتی فقط به صورت نقل مسبب بگوید. به هر حال اگر کسی معتقد به حجیت اجماع تشریفی باشد اینجا ادله حجیت خبر واحد این را حتماً در بر می گیرد.

## ۲. نقل اجماع بنا بر سایر مبانی

انما الکلام در مواردی که ناقل اجماع به طرق دیگری قائل به کشف رأی معصوم باشد یعنی مثلاً قائل به اجماع لطفی باشد که بر پایه حدس استوار است زیرا کسی که قول معصوم را نقل می کند یا مستقلاً یا به ضمیمه نقل سبب یا اساساً فقط سبب را ذکر می کند ولی مقصودش امر دیگری است، اگر معتقد باشد به اینکه اتفاق علماء موجب کشف رأی معصوم می شود یعنی یک نوع ملازمه ای بین اجماع علماء و رأی معصوم قائل است، (حال یا ملازمه عقلی، بنا بر مبنای اجماع لطفی یا ملازمه عادی بنا بر بنای آخری که بیان کردیم، یا بر مبنای ملازمه اتفاقی که این تعبیر صاحب کفایه است) یا اینکه اتفاق علماء کاشف از وجود یک دلیل معتبر باشد، پس آنچه از اتفاق علماء کشف می شود (که عبارت از رأی معصوم است) این است که این از طریق حدس به دست آمده است. لذا اینجا جای بحث دارد که آیا ادله حجیت خبر واحد شامل این فروض می شود؟ کسی نقل سبب می کند ولی مبنایش اجماع لطفی است، یا مبنایش دو طریق دیگری که گفتیم است، آیا اینجا ادله حجیت خبر شامل آن می شود یا خیر؟

### صورت اول: نقل سبب

محقق خراسانی در کفایه می فرماید اگر ناقل اجماع فقط نقل سبب می کند و لا غیر یعنی می گوید اجمع الاصحاب، ادله حجیت خبر شامل آن می شود، زیرا این خبر عن حس است نه عن حدس، ایشان می گوید وقتی کسی می گوید اجمع العلماء یا اجمع

الاصحاب و تنها سبب را نقل می کند، این سبب را عن حس به دست آورده است زیرا خودش رفته آراء علماء را جمع کرده است، لذا سبب را عن حس به دست آورده است، رأی امام هم که به دنبال این اتفاق کشف می شود این بالملازمه به دست آمده است، حال اگر این ملازمه نزد منقول الیه پذیرفته باشد، پس اخبار او نسبت به این اخبار می شود حسی. دقت کنید که اصل مدعا چیست؟ الان فرض کنید کسی که ناقل اجماع است یا ناقل قول معصوم، فقط سبب را نقل کند، اخبار او حسی است. از این جهت چون نظر منقول الیه نیز همین است لذا اخبار او می شود حسی. اگر این اخبار حسی است و خود منقول الیه نیز این را قبول دارد، یعنی منقول الیه معتقد است این سبب با آن مسبب ملازمه دارد، یعنی می گوید اتفاق علماء ملازمه دارد با رأی معصوم، قهرا اینجا خبر ناقل از رأی معصوم میشود یک خبر حسی، البته این فرمایش محقق خراسانی یک ذیلی هم دارد که بعدا بیان می کنیم.

پس در جایی که نقل سبب می شود این اخبار از یک امر حسی است و لذا ادله حجیت خبر شامل این نیز می شود.

سوال:

استاد: اینجا به کلام محقق خراسانی اشکال شده است. اما قبل از اینکه اشکال به محقق خراسانی را مطرح کنیم باید ببینیم اصل حرف ایشان چیست و ایشان چه تصویری از این دارد که می گوید اخبار حسی است؟ دقت کنید: می گوید ناقل، از این سبب دارد نقل می کند، نقل او از رأی معصوم به صورت نقل سبب، حسی است یا حدسی؟ حسی، زیرا اتفاق علماء و سبب را نقل می کند که حسی است. دوم، ناقل عقیده دارد این اتفاق ملازمه دارد با کشف رأی معصوم، یعنی رأی معصوم از این کشف می شود، منقول الیه نیز معتقد است اتفاق علماء ملازمه دارد با رأی معصوم عادتاً یا عقلاً. ایشان می گوید این اخبار حسی است، نزد منقول الیه نیز این واجد همه شرایط خبر است، تنها تفاوتی که بین ناقل و منقول الیه وجود دارد این است که اتفاق فقها و هم نظری آنها برای کسی که منقول الیه است ظنی است ولی برای کسی که نقل می کند یعنی ناقل قطعی است، زیرا او خودش سبب و اجماع را به دست آورده ولی این دارد یک نفر برایش نقل می کند. پس این برایش ظن به آن پیدا می شود زیرا یک ثقه ای به او این خبر را داده است، ولی کسی که دیده خودش یقین دارد مثلاً کسی با چشمانش دیده فلانی رفت خانه فلان، اینکه برایش یقین پیدا می شود ولی وقتی برای دیگری نقل می کند برای او ظنی محسوب می شود ولی این از ظنونی است که شارع به ما اجازه داده که بر آن اثر مترتب کنیم، زیرا یک ثقه ای خبر آورده است، تنها تفاوت همین است. پس ایشان می گوید ادله حجیت خبر شامل این فرض می شود و آن را حجت می کند.

حال باید این را بررسی کنیم تا ببینیم اینچنین است یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»